

تحول در موازنه آفند-پدافند روسیه و ایران

سکینه هاشمی¹

محمد توحیدفام²

چکیده

گسترش ناتو و اتحادیه اروپایی به شرق با دامن زدن به فضای عدم قطعیت راهبردی در مناسبات دولت‌های غربی با روسیه به بهای تشدید معضل امنیت در سراسر اوراسیای مرکزی تمام شده و مسکو را به اتخاذ تصمیم‌های سخت و بعضاً ناسازگار با صلح و ثبات منطقه ای واداشته است. در این شرایط، همگرایی دولت‌های خواهان تغییر حکمرانی جهانی می‌تواند رفتارهای تهاجمی علیه نظام سلطه را تعدیل و پدیده تغییر وضع موجود را به شیوه مسالمت آمیز دنبال نماید. مقاله حاضر این رویکرد را بر پایه تأثیر «مناسبات ویژه ایران با روسیه در حوزه‌های راهبردی» بر «پیش‌بینی‌پذیری رفتارهای مسکو و کاهش معضل امنیت در اوراسیای مرکزی به واسطه تغییر موازنه در سیاست خارجی و دفاعی روسیه از آفند به پدافند» توضیح می‌دهد. از این رو مقاله به دنبال یافتن پاسخی مناسب برای این پرسش است که «دلایل و شیوه‌های تأثیرگذاری ایران بر تغییر رویکرد آفندی روسیه به نفع پدافند و بنابراین، کاهش معضل امنیت در اوراسیای مرکزی کدام‌اند؟» پاسخ اولیه مقاله به بخش چرایی پرسش در «اتحاد طبیعی ایران و روسیه» نهفته است و عمده دلیل اثرگذاری ایران بر تحول در موازنه آفند-پدافند روسیه را نیز در «تهدیدها و دغدغه‌های مشترک ایران و روسیه از جانب غرب و سازواری منافع دو کشور در متوقف‌ساختن توسعه‌طلبی‌های غرب در مرزهای غربی و شمالی» جستجو می‌کند. مقاله پیش‌رو از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و از روش‌شناسی استنتاجی بهره برده است. یافته‌های مقاله نیز که به‌طور عمده بر پایه استناد به شواهد عینی-تاریخی و استدلال منطقی تجزیه و تحلیل شده‌اند بر صدق پاسخ‌های اولیه گواهی می‌دهند.

واژگان کلیدی:

موازنه آفند-پدافند، معمای امنیت، موازنه تهدید، گسترش ناتو، ایران، روسیه.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: 1400/12/21 تاریخ پذیرش مقاله: 1401/02/14

¹. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران)، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. sakineh.hasshemiyan@yahoo.com

². دانشیار گروه علوم سیاسی-اندیشه سیاسی و مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

tohidfam_m@yahoo.com

مقدمه

«تغییر در حکمرانی جهانی» از طریق اتحاد دولت‌های تجدیدنظرطلب با ایجاد بازدارندگی در برابر زیاده‌خواهی‌های نظام سلطه نیز امکان‌پذیر است بنابراین تغییر موازنه آفند-پدافند^۱ میان دو جبهه «تحول‌خواه» و «مدافع وضع موجود» به نفع پدافند از شدت عدم قطعیت و بنابراین معضل امنیت^۲ در نظام بین‌الملل خواهد کاست. در مقابل، شکاف در جبهه تغییر، دست‌نیروهای جبهه تثبیت برای سرکوب تقاضاهای پراکنده برای دستیابی به نظم عادلانه را باز خواهد گذاشت که معنایی جز تداوم نظم بین‌الملل آمریکایی-محور پسا جنگ جهانی دوم ندارد. از این رو، پدیده همگرایی دولت‌های خواهان وضع مطلوب در دوره کنونی را می‌توان به مثابه شیوه‌ای خردمندانه و مؤثر برای ایجاد وضع مطلوب به شکل استقرار «نظم بین‌المللی چندجانبه تا حد ممکن عادلانه» به رسمیت شناخت. دو گزینه جایگزین را «تداوم ساختار سلطه برپایه وضع موجود» یا «طغیان دولت‌ها و ملت‌های تحت سلطه علیه بانیان وضع موجود» تشکیل می‌دهد که هر دو به‌ضرر جبهه تغییر و به نفع جبهه تثبیت تمام می‌شود.

هدف مقاله حاضر را کشف عمده دلیل و شناخت اصلی‌ترین شیوه تأثیرگذاری ایران بر تحول در موازنه آفند-پدافند روسیه به نفع پدافند و کاهش معضل امنیت در اوراسیای مرکزی تشکیل می‌دهد و به‌طور مشخص این پرسش مطرح شده است که «ایران چرا و چگونه بر تحول در موازنه آفند-پدافند روسیه به نفع پدافند و کاهش معضل امنیت در اوراسیای مرکزی اثرگذار است؟» پاسخ اولیه مقاله به بخش چرایی پرسش در «اتحاد طبیعی میان ایران و روسیه» نهفته است و عمده دلیل اثرگذاری ایران بر تحول در موازنه آفند-پدافند روسیه را در «تهدیدها و دغدغه‌های مشترک ایران و روسیه از جانب غرب و سازواری منافع دو کشور در متوقف‌ساختن توسعه طلبی‌های غرب در مرزهای غربی و شمالی» جستجو می‌کند. اصلی‌ترین شیوه تأثیرگذاری تهران بر تحول در موازنه آفند-پدافند روسیه به نفع پدافند نیز به آموزه‌های روسیه از تجربه موفقیت‌آمیز ایران در به‌کارگیری مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی به ویژه مقاومت در برابر سلطه‌پذیری و دفاع فعال اما غیرتحریک‌آمیز^۳ در برابر زیاده‌خواهی‌های غرب بازمی‌گردد. در حقیقت میان چرایی و چگونگی اثرگذاری تهران بر موازنه آفند-پدافند روسیه به نفع پدافند هم‌افزایی وجود دارد و دلایل و شیوه‌های این تأثیرگذاری در جهت تقویت یکدیگر گام برمی‌دارند. چارچوب مفهومی حاکم بر فرایند

¹. *Offense-Defense Balanc*

². *Security Dilemma*

³. *Un-provocative*

گردآوری و تحلیل داده‌ها به منظور پاسخ به پرسش مقاله و آزمون پاسخ اولیه را نظریه معماری امنیت در پیوند با نظریه موازنه آفند-پدافند تشکیل می‌دهد. مقاله پیش رو از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و از روش‌شناسی استنتاجی بهره برده و تجزیه و تحلیل یافته‌ها به طور عمده با شیوه استدلال و تحلیل کیفی انجام پذیرفته است. گردآوری اطلاعات نیز به روش کتابخانه‌ای و اینترنتی با تکیه بر شواهد عینی و داده‌های تاریخی صورت بوده است.

چارچوب مفهومی

از آنجاکه در شرایط جنگی، احتمال موفقیت‌آمیز بودن آفند از پدافند بیشتر است، دولت‌های توسعه طلب نیز بیش از آمادگی برای دفاع به حمله علیه رقبا خود تمایل دارند و به اصلاح بهترین دفاع را حمله می‌دانند. فناوری‌های تازه و رهنامه‌های نظامی تازه برخی دولت‌ها نیز بعضاً حمله را آسان‌تر از دفاع جلوه می‌دهند (8: *Lanoszka and Hunzeker, 2019*). علاوه بر این، انگیزه‌های فزون‌تری برای پیش‌دستی وجود دارد، زیرا در صورت وقوع جنگ، دولت‌ها برای اینکه ابتکار عمل را در دست داشته باشند، حمله را به دفاع ترجیح می‌دهند (*Ahmed, 2014: 103-104*). دولت‌های غیر توسعه طلب که ممکن است علاقه چندانی به تصرف قلمروی حریف خود نداشته باشند، اکنون دلیل بیشتری برای هراس از ارتش و اقدام‌های نظامی سایر دولت‌ها دارند و ممکن است به منظور غلبه بر این ترس و برچیدن تهدید دست به حمله بزنند (2: *Bressler et al., 2021*).

وضعیت پیش گفته که در ادبیات روابط بین‌الملل تحت عنوان معما یا معضل امنیت شناخته می‌شود، شرایطی را توصیف می‌کند که طی آن اقدام‌ها یا تمهیدات یک دولت یا ائتلافی از دولت‌ها برای بهبود امنیت خود از سوی دولت‌های رقیب تهدیدآمیز تلقی می‌شود (169: *Jervis, 1978*). تهدید ناشی از تلاش‌های امنیت‌جویانه دولت‌ها به شکل کاهش امنیت بر دولت‌های رقیب بازتاب می‌یابد و چرخه باطل امنیت‌جویی-هراس افکنی را ایجاد می‌کند که با احتمال وقوع مناقشه‌های مسلحانه همراه است. معماری امنیت، مفهومی محوری در ادبیات روابط بین‌الملل به‌ویژه در شاخه واقع‌گرایی تدافعی سیاست خارجی و روابط بین‌الملل به شمار می‌آید و برای نخستین بار از سوی پژوهشگر آلمانی جان هرترز (180-157: *1950*) استفاده شد و به ادبیات دانشگاهی راه یافت. این مفهوم نظری توضیح می‌دهد که چگونه اقدام دولت‌های جویای امنیت ممکن است در شرایط «عدم قطعیت وجودی»¹ ناشی از آنارش

¹. *Existential Uncertainty*

بین‌المللی به درگیری خشونت‌آمیز بین دو یا چند بازیگر منجر شود، حتی زمانی که هیچ‌کدام از آن‌ها نیت بدی نسبت به دیگری نداشته باشند (Baker, 2019: 1255). آنارش‌ی بین‌المللی و به‌ویژه عدم‌قطعیت نهفته در آن، رفتار خودیاری را در دولت‌ها القا کرده و آن‌ها را به سمت اتخاذ سیاست‌های امنیتی در مقابل دیگر واحدهای نظام بین‌الملل به‌مثابه دشمنان بالقوه سوق می‌دهد. آن‌ها برای افزایش امنیت خود گام برمی‌دارند، اما درواقع به شکل کاهش امنیت دیگر بازیگران فهم می‌شود و اثر می‌گذارد.

نظریه آفند-پدافند که امروزه بیشتر با نام رابرت جرویس شناخته می‌شود با رد معادله قدرت-امنیت در نظام بین‌الملل آنارش‌یک، تمایز میان دفاع و تهاجم را عامل مهمی در اعتمادسازی می‌داند و بر این باور است که با اتخاذ رویکردهای تدافعی از سوی دولت‌ها، امکان ایجاد اعتماد میان بازیگران و بنابراین احتمال کاهش وقوع جنگ وجود دارد (هاشمی، 1386: 15). از این رو واقع‌گرایان تدافعی به توصیف سناریوهایی می‌پردازند که در فهم شدت و ضعف معضل امنیت برحسب موقعیت‌های خاص و بنابراین، احتمال کنترل و مدیریت آن‌ها مؤثر است. دلیل اصلی رقابت‌های امنیتی دولت‌ها در نظریه آفند-پدافند به ساختار نظام بین‌الملل تقلیل داده نمی‌شود، بلکه به رفتار، نیت و برداشت دولت‌ها ارجاع داده می‌شود و به همین دلیل از جزم‌گرایی نظریه‌های ساختاری فاصله گرفته و راه را برای تبیین هرچه بهتر و دقیق‌تر وضعیت‌های مخاصمه هموار می‌سازد (Jakobsen and Halvorsen, 2018: 157). نیت و برداشت دولت‌ها کلیدواژه‌های مهمی در نظریه موازنه آفند-پدافند به شمار می‌آیند که مکاتب خردگرایانه روابط بین‌الملل از جمله واقع‌گرایی تدافعی را به نظریه‌های بازتابی روابط بین‌الملل به‌ویژه برساخت‌گرایی اجتماعی پیوند می‌زنند. گذار از دنیای محدود واقعیت‌های عینی و پذیرش مفاهیم بین‌ذهانی به‌مثابه یک واقعیت از سوی نظریه‌پردازان واقع‌گرا، تحول بزرگی در مکتب واقع‌گرایی به پیشگامی واقع‌گرایان تدافعی به شمار می‌آید. در حقیقت واقع‌گرایان تدافعی توانسته‌اند با توسل به این مفاهیم، تبیین‌های دقیق‌تر و نزدیک به واقعی از شرایط حاکم بر مناسبات فراملی و سیاست خارجی جاری دولت‌ها ارائه دهند.

با این توصیف، موازنه بسیار ظریفی میان تلاش‌های تجدیدنظرطلبانه برای رسیدن به وضع مطلوب و رفتارهای بازیگران جبهه تغییر وجود دارد که فهم آن برای موفقیت گذار از وضع موجود و تأسیس نظامی عادلانه‌تر ضروری است. این موازنه را می‌توان ذیل مفهوم دفاع غیرتحریک‌آمیز تعریف کرد (Wiseman, 2002: 3-4). دفاع غیرتحریک‌آمیز برای طیف وسیعی از بازیگران اعم از موافقان و مخالفان وضع موجود پیشنهاد شده است، اما به‌ویژه در

جایی بیشتر قابلیت کاربرد دارد که نه امکان ایجاد اجتماع امنیتی وجود دارد، نه نظم جهانی برای گذار از آنارشی ممکن است و نه رهبران دولت‌های رقیب از جدال با یکدیگر پرهیز دارند (غرایاق زندی، 1391: 76). از آنجاکه اوراسیای مرکزی به مثابه حوزه تمرکز ژئوپلیتیک روسیه هر سه شرط پیش گفته را در خود جای داده است، دفاع غیرتحریک آمیز می‌تواند راهنمای عمل مسکو در برقرار موازنه آفند-پدافند به نفع پدافند باشد.

رویکرد آفندی غرب علیه روسیه

رفتار روسیه در اوراسیای مرکزی به ویژه در مرزهای شرقی این کشور را نمی‌توان بدون توجه به اشتباهات سیری ناپذیر ناتو و اتحادیه اروپایی برای حضور در پساکمونویستی تحلیل و تبیین نمود. این پدیده، موضع مسکو در برابر بروکسل و واشنگتن را تضعیف کرده، منافع امنیتی روسیه را به خطر انداخته، معضل امنیت در اوراسیای مرکزی را وخیم‌تر ساخته، جنگ‌های نیابتی و مناقشه‌های منجمد را تشدید نموده و موازنه آفند-پدافند در سراسر منطقه را به ضرر پدافند تغییر داده است. با نگاهی گذرا به تحولات راهبردی و ژئوپلیتیک سه دهه گذشته اوراسیای مرکزی آشکارا می‌توان دریافت که تغییرات در موازنه آفند-پدافند منطقه نسبت مستقیمی با گسترش ناتو و اتحادیه اروپایی به شرق داشته است. در فضای پسا جنگ سرد با اینکه غرب تمایلی به حذف روسیه از ترتیبات امنیتی جدید و تقسیم اروپا با ترسیم یک خط تازه به جای پرده آهنین نداشت، اما درعین حال حاضر به پذیرش سهم برابر این کشور در برهم‌کنش‌های منطقه‌ای نبود و بر آن بود تا مسکو را مدیریت کند. این دیدگاه باعث شد تا روسیه عملاً نزد غربی‌ها نه به عنوان «یک شریک»، بلکه به مثابه «یک معضل و چالش نیازمند کنترل» فهم شود. مادامی که روسیه درگیر مشکلات داخلی پس از فروپاشی شوروی بود و با بحران اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی و جنگ‌های داخلی در داغستان و چچن دست‌وپنجه نرم می‌کرد، احتمال بروز هرج و مرج و درگیری قومی در این کشور و سرایت آن به دیگر سرزمین‌های پساکمونویستی، بزرگ‌ترین نگرانی ناتو و مقام‌های اتحادیه اروپایی را تشکیل می‌داد. در آن زمان اگرچه غرب هیچ تلاشی برای کمک به روسیه و جلوگیری از تضعیف این کشور انجام نداد، اما درعین حال دلیلی هم برای در تنگنا گذاشتن مسکو وجود نداشت. ضمن اینکه ناتو نیز تا مدت‌ها علاقه‌ای به جذب دولت‌های پسا شوروی از خود نشان نمی‌داد. سرزمین‌های پساکمونویستی در نیمه دوم دهه 1990 به لحاظ گرایش‌های ژئوپلیتیک شاهد دو تحول به هم مرتبط بود. از یک سو احساس شرم عمیق روس‌ها از نفوذ از دست رفته

کشورشان در جهان با نارضایتی آن‌ها از بی‌تفاوتی غرب نسبت به چالش‌ها و منافع روسیه درهم آمیخته بود که برآیند آن در تبلور خواسته‌ها و کوشش‌های جمعی مردم و نخبگان این کشور برای احیای قدرت روسیه بازتاب یافت (زارعی و همکاران، 1398: 1098). از سوی دیگر، غرب به دنبال بروز نشانه‌های خیزش روسیه برای بازسازی مناسبات مسکو با خارج نزدیک برخلاف رویه پیشین خود در تکاپوی گستراندن چتر نهادهای غربی بر سر دولت‌های پساکمونستی برآمد که در اصل تلاشی برای دور نگاه‌داشتن آن‌ها از اردوگاه روسیه بود.

در حقیقت در شرایطی که روسیه به دنبال ترمیم پیوندهای طبیعی خود با دولت‌های پساکمونستی به‌مثابه شیوه‌ای غیرتهاجمی برای ایجاد رونق در خارج نزدیک بود، دولت‌های غربی با دستاویز قراردادن اصلاحات دموکراتیک و بهبود حقوق بشر به حربه تفرقه‌افکنی میان ملت‌ها و جوامع پساکمونستی روی آوردند و با هراساندن برخی از آن‌ها از برخی دیگر به‌واسطه پیوستن به ناتو و برقراری مناسبات امنیتی راهبردی و ارزش‌گذاری سلسله‌مراتبی میان آن‌ها مانند عضویت در اتحادیه اروپایی یا مناسبات محدودتر در چارچوب‌های متفاوت سیاست همسایگی اروپایی^۱، مشارکت شرقی^۲، موافقت‌نامه مشارکت اتحادیه اروپایی^۳ و دیگر ترتیبات منطقه‌ای برحسب درجه غربی بودن جمهوری‌های شوروی سابق، فضای رقابت ناسالمی میان دولت‌های تازه‌استقلال یافته پدید آوردند تا رشته نظم نوین جهانی را در اوراسیای مرکزی از دست ندهند که همگی در نهایت به تحریک روسیه ختم شد، موضوعی که در بخش آتی به‌طور مفصل به بحث گذاشته شده است.

مداخله غرب به‌ویژه ایالات‌متحده در امور داخلی دولت‌های پساکمونستی طی بیش از دو دهه گذشته، اصلی‌ترین عنصر تحول تدریجی در موازنه آفند-پدافند دولت‌ها در اوراسیای مرکزی از گرایش‌های پدافندی به آفندی بوده است. با وجود اعتراض روسیه و عدم تمایل برخی کشورهای اروپای غربی، ایالات‌متحده از گسترش ناتو به عنوان راهی برای تحکیم دستاوردهای پسا جنگ سرد در اروپای شرقی حمایت می‌کرد (McBride and Park, 2022: 3). به دنبال این رویکرد آفندی غرب بود که سه کشور پساکمونستی جمهوری چک، مجارستان و لهستان در 12 مارس 1999 به ناتو ملحق شدند و این پیمان نظامی یک گام بزرگ به مرزهای شرقی روسیه نزدیک‌تر شد. در ادامه نیز جنگ کوزوو از فوریه 1998 تا ژوئن 1999 و حمله هوایی ناتو به صربستان، روابط روسیه و ناتو را به طور بنیادین متحول

¹. European Neighbourhood Policy (ENP)

². Eastern Partnership (EaP)

³. European Union Association Agreement (EUAA)

ساخت (Kieninger, 2020: 781). این جنگ همچنین نقطه عطف مهمی در خیزش ملی‌گرایی روس‌ها، به قدرت رسیدن پوتین، بازتعریف منافع ملی در روسیه، تغییر چارچوب حاکم بر مناسبات مسکو با جهان غرب و نیز تعیین سرنوشت اوراسیای مرکزی به شمار می‌آید (Izzo, 2022: 3).

پیامدهای تجاوز ناتو به صربستان به سرعت از مرزهای یوگوسلاوی سابق فراتر رفت، به گونه‌ای که سراسر اوراسیای مرکزی و اروپای شرقی را از آن زمان تا به امروز تحت تأثیر خود قرار داده است. از همه مهم‌تر اینکه جنگ کوزوو، وزنه رویکردهای آفندی را در موازنه آفند-پدافند در اوراسیای مرکزی سنگین‌تر کرد و زنگ خطر محاصره ژئوپلیتیک روسیه از سوی غرب را در مسکو به صدا درآورد. عمده تحولات راهبردی و ژئوپلیتیک در اوراسیای مرکزی پس از جنگ کوزوو را می‌توان در چارچوب گسترش سریع ناتو و اتحادیه اروپایی به سمت مرزهای شرقی روسیه و پاسخ مسکو به این دو چالش غرب - که عمدتاً به شکل ایجاد مناطق حائل و تشکیل ائتلاف‌های دو و چندجانبه تازه یا تقویت ائتلاف‌های از پیش موجود بوده است - مورد ملاحظه قرار داد. سال 2004 نیز در مناسبات میان روسیه و غرب و تغییری دیگر به ضرر پدافند در اوراسیای مرکزی در برابر آفند، سالی سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده به شمار می‌آید. ناتو در 29 مارس آن سال با ورود هفت کشور پساکمونستی استونی، لتونی، لیتوانی، اسلوانی، اسلواکی، بلغارستان و رومانی پنجمین و بزرگ‌ترین مرحله توسعه در تمام دوران حیات خود را تجربه نمود. پنجمین و بزرگ‌ترین مرحله گسترش اتحادیه اروپایی نیز کمتر از دو ماه بعد در 1 ماه می 2004 در شرایطی رخ داد که هشت دولت از ده دولت الحاقی را کشورهای پساکمونستی شامل استونی، لتونی، لیتوانی، اسلوانی، اسلواکی، جمهوری چک، لهستان و مجارستان تشکیل می‌دادند.

اقدام پارلمان جمهوری کوزوو در انتشار اعلامیه یک‌جانبه استقلال از صربستان در فوریه 2008 که با تحریک و پشتیبانی دولت‌های غربی صورت گرفت را نیز می‌توان در ادامه راهبرد آفندی غرب علیه روسیه و دیگر دولت‌های جبهه تغییر ارزیابی نمود. این اقدام پارلمان کوزوو اگرچه به‌رغم مخالفت شدید بلگراد صورت گرفت، اما کوزوو به سرعت به‌مثابه یک دولت مستقل حاکم از سوی اکثر قریب به اتفاق دولت‌های غربی مورد شناسایی قرار گرفت که روسیه و هم‌پیمانان پساکمونستی این کشور را به شدت نگران ساخت. هم‌زمانی این رویداد با گسترش ناتو و اتحادیه اروپایی به شرق، احساس در محاصره قرارگرفتن از سوی واشنگتن و بروکسل را در اذهان رهبران روسیه و دیگر دولت‌های مستقل هم‌سود تقویت کرد

(صالحی، 1398: 104). در ادامه رویکرد تهاجمی واشنگتن و بروکسل علیه روسیه، پیمان نظامی ناتو طی مراحل ششم تا هشتم توسعه تا شمول دولت‌های آلبانی و کراوسی (آوریل 2009)، مونته‌نگرو (ژوئن 2017) و مقدونیه شمالی (مارس 2020) گسترش یافت و بلغارستان و رومانی (ژانویه 2007) و کرواسی (ژانویه 2013) نیز به اتحادیه اروپایی پیوستند. در حال حاضر ناتو برای بوسنی و هرزگوین دعوت‌نامه آغاز مذاکرات الحاق صادر کرده است و گرجستان و اوکراین نیز مشتاق به پیوستن به این پیمان نظامی هستند (Buchholz, 2022).

تحریک روسیه از سوی غرب

عضویت، تنها ابزار ناتو و اتحادیه اروپایی برای نفوذ در اوراسیای مرکزی و تحقق رویکرد آفندی علیه روسیه و دیگر دولت‌های مخالف تداوم وضع موجود به شمار نمی‌آید. برنامه اقدام عضویت¹ که در حال حاضر کشور بوسنی و هرزگوین را پوشش می‌دهد، سازوکاری برای نظارت اعضای فعلی ناتو بر عملکرد دولت‌های مشتاق به عضویت در این پیمان نظامی محسوب می‌شود (Minogue, 2019: 165). گفتگوی تشدید شده² نیز که در آوریل 2005 به‌مثابه چارچوبی غیررسمی برای زمینه‌سازی جهت عضویت اوکراین در ناتو مطرح شده بود در ادامه به سازوکاری پذیرفته شده برای بحث و تبادل نظر جدی میان ناتو و دولت‌های کاندیدای الحاق به این سازمان در سطوح گوناگون تبدیل شد و امروزه گرجستان را نیز علاوه بر اوکراین شامل می‌شود (Vershbow, 2019: 432&443).

همچنین، طرح‌های اقدام مشارکت فردی³ که در سال 2002 راه‌اندازی شدند، برنامه‌هایی برای همکاری ناتو با دولت‌های گوناگون در حوزه‌های مختلف محسوب می‌شوند که اهداف و چارچوب ارتباطی گفتگو و همکاری میان طرفین را مشخص می‌سازند. جمهوری آذربایجان از سال 2005، ارمنستان از سال 2005، قزاقستان از سال 2006، مولداوی از سال 2006 و صربستان از سال 2015 با اینکه اعلام کرده‌اند در حال حاضر قصدی برای پیوستن به ناتو ندارند، اما از طریق طرح‌های اقدام مشارکت فردی با ناتو همکاری می‌کنند (www.nato.int/cps/en/natohq/topics_49290.htm). مشارکت برای صلح از دیگر ابزارهای جلب همکاری دولت‌های غیر عضو ناتو در برنامه‌های این سازمان است. در حال حاضر 19 کشور در برنامه مشارکت برای صلح حضور دارند که علاوه بر 8 کشور

¹. Membership Action Plan (MAP)

². Intensified Dialogue

³. Individual Partnership Action Plans (IPAP)

پیش گفته شامل ازبکستان از سال 1994، ترکمنستان از سال 1994، قرقیزستان از سال 1994، سوئد از سال 1994، مالت از سال 1995، اتریش از سال 1995، بلاروس از سال 1995، سوئیس از سال 1996، ایرلند از سال 1999 تاجیکستان از سال 2002 و بلغارستان از سال 2004 می شود (https://www.nato.int/cps/en/natolive/topics_82584.htm). شورای همکاری یورو-آتلانتیک¹ نیز به مثابه نهادی چندجانبه برای بهبود روابط بین ناتو و کشورهای غیر عضو در اروپا و برخی کشورهای آسیایی هم جوار اروپا در سال 1997 تأسیس و جانشین شورای همکاری آتلانتیک شمالی² شد. این شورا از 30 دولت عضو ناتو و 19 دولت مشمول طرح مشارکت برای صلح تشکیل شده است (www.nato.int/cps/en/natohq/topics_67979.htm).

علاوه بر این، ناتو برخی تدابیر منحصربه فرد و اختصاصی را نیز جهت برقراری و تنظیم مناسبات خود با برخی دولت ها اندیشیده است که مهم ترین آن ها در برابر روسیه بوده است. روابط بین پیمان نظامی ناتو و فدراسیون روسیه در سال 1991 ذیل چارچوب شورای همکاری آتلانتیک شمالی برقرار شد و روسیه از جمله دولت هایی بود که در سال 1994 به برنامه مشارکت برای صلح ناتو پیوست و به مدت دو دهه، ناتو و روسیه چندین توافقنامه مهم همکاری امضا کردند (www.nato.int/cps/en/natolive/topics_82584.htm). در سال 2002 نیز شورای ناتو-روسیه³ به منظور رسیدگی به دغدغه ها و پروژه های امنیتی مشترک تأسیس شد. همکاری روسیه با ناتو تا پیش از الحاق کریمه به فدراسیون روسیه در سال 2014 در چندین بخش اصلی با برخی فراز و فرودها ادامه داشت تا اینکه در اکتبر 2021 از سوی مسکو متوقف شد (<https://www.dw.com/en/nato-expels-8-from-russian-mission-as-intelligence-officers/a-59428676>). سازوکارهای اتحادیه اروپایی نیز همچون ناتو برای گسترش مرزهای این اتحادیه تا شمول دولت های پسا کمونیستی به ویژه در اروپای شرقی و حتی قفقاز جنوبی متنوع و پیچیده است. در حال حاضر آلبانی، بوسنی و هرزگوین، کوزوو، مونته نگرو و ترکیه در سیاست گسترش اتحادیه اروپایی تحت عنوان کشورهای خاص یعنی نامزدها یا نامزدهای بالقوه پیوستن به اتحادیه اروپا دسته بندی می شوند. اتحادیه اروپایی همچنین از طریق سیاست همسایگی اروپایی به مثابه ابزار سیاست خارجی این اتحادیه در رفتار با همسایگان و جلوگیری از ایجاد اصطکاک و مناقشات احتمالی ناشی از گسترش به سمت شرق، رابطه ویژه ای با 16 همسایه نزدیک خود که در حال حاضر

¹. The Euro-Atlantic Partnership Council (EAPC)

². North Atlantic Cooperation Council (NACC)

³. The NATO-Russia Council (NRC)

نامزدهای بالقوه پیوستن به اتحادیه اروپا محسوب نمی شوند، دارد (کوهکن و کرمی، 1398: 129-130). موافقت نامه مشارکت اتحادیه اروپایی که به صورت دوجانبه با برخی دولت‌ها منعقد می‌شود از دیگر ابزارهای نفوذ بروکسل در دولت‌های مشمول سیاست همسایگی اروپایی به شمار می‌آیند. در برجسته‌سازی تأثیر این موافقت نامه‌ها در مناقشه‌های پساکمونیسیتی اوراسیای مرکزی همین بس که ریشه مستقیم بحران 2014 اوکراین که به جنگ امروز ختم شده است را باید در تلاش بروکسل برای نفوذ در این کشور از طریق موافقت نامه مشارکت اتحادیه اروپایی-اوکراین¹ جستجو کرد (صالحی، 1398: 113). تلاش‌های به‌دقت برنامه‌ریزی‌شده ناتو و اتحادیه اروپایی برای فاصله انداختن بین دولت‌های پساکمونیسیتی و روسیه در حالی دنبال می‌شود که غرب به‌خوبی از اهمیت این کشورها نزد مسکو آگاه بوده و حتی برخی راهبرد پردازان غربی در خصوص عواقب ناگوار این گونه تلاش‌ها بر امنیت اوراسیای مرکزی هشدار داده‌اند. ویلیام برنز، سفیر اسبق آمریکا در مسکو در سال‌های 2005-2008 و رئیس کنونی سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) با انتشار کتابی در مارس 2019 از فشارهایی پرده برداشته بود که مناسبات واشنگتن-مسکو را از سطح مشارکت راهبردی بین ایالات متحده و روسیه تازه استقلال یافته برای «دفن کمونیسیم» در ابتدای دهه 90 میلادی به وضعیت خصومت فزاینده میان دو قدرت هسته‌ای در دهه دوم سده بیست و یکم تبدیل کرده است ([https://www.russiamatters.org/analysis/how-us-](https://www.russiamatters.org/analysis/how-us-managed-and-mismanaged-russia-superstar-diplomat-tells-his-story) *managed-and-mismanaged-russia-superstar-diplomat-tells-his-story*). روایت برنز از رویکرد فتنه‌انگیزانه جورج دبلیو بوش برای عضویت گرجستان و اوکراین در ناتو یکی از افشاگری‌های حائز اهمیت کتاب وی به شمار می‌آید. وی پیامدهای این اقدام را نه تنها قابل پیش بینی، بلکه کاملاً بدیهی و پیش بینی شده می‌دانست (Burns, 2019: 211-212). به عبارت بهتر، اعضای ناتو با علم به اینکه مسکو گزینه‌ای جز اقدام نظامی برای جلوگیری از عضویت این دو کشور پسا شوروی در ناتو ندارد، این طرح را در دستور کار قرار دادند. با همه مصائبی که رویکرد آفندی غرب علیه روسیه به همراه داشته است، رهبران ناتو و اتحادیه اروپایی از قصد خود برای نزدیک شدن به مرزهای روسیه کوتاه نیامده‌اند و اوکراین و گرجستان همچنان دو هدف مهم این دو نهاد و به‌ویژه ناتو محسوب می‌شوند. این در حالی است که روسیه در دسامبر 2021 به طور رسمی از ناتو درخواست کرده بود که نسبت به عدم گسترش پیمان ناتو در شرق اروپا به مسکو تضمین بدهد. روسیه همچنین خواستار

¹. Ukraine-European Union Association Agreement

توافقی دوجانبه با ایالات متحده مبنی بر عدم گسترش پیمان ناتو به شرق اروپا از جمله به اوکراین و نیز خروج همه نیروهای نظامی خارجی مستقر پس از سال ۱۹۹۷ در کشورهای اروپای شرقی شده بود (-<https://russische-botschaft.ru/de/2022/01/17/foreign-minister-sergey-lavrovs-remarks-and-answers-to-media-questions-at-a-news-conference-on-russias-foreign-policy-performance-in-2021-moscow-january-14-2022/>). در مقابل، واشنگتن ابراز داشته است که «حق انتخاب پیمان‌های دفاعی برای هر کشوری و از جمله برای اوکراین را به رسمیت می‌شناسد» (-<https://www.state.gov/online-press-briefing-with-ambassador-john-j-sullivan-u.s.-ambassador-to-the-russian-federation/>). به عبارت بهتر، ناتو نه تنها قصدی برای خروج از شرق اروپا و دور شدن از مرزهای روسیه ندارد، بلکه هیچ تضمینی نیز مبنی بر عدم تلاش برای جلب سایر دولت‌های پسا شوروی از جمله اوکراین و گرجستان نمی‌دهد. این در حالی است که مسکو سوق دادن اوکراین و گرجستان به سمت ناتو و اتحادیه اروپایی را تهدیدی جدی علیه موجودیت روسیه و رویکردی به شدت آفندی از جانب غرب می‌داند و رهبران روسیه عمیقاً بر این باور هستند که آینده روسیه به‌عنوان یک قدرت جهانی به حفظ دامنه نفوذ مسکو در سرزمین‌های پسا شوروی به‌ویژه در اوکراین و گرجستان وابسته است. بلاروس، ارمنستان و جمهوری آذربایجان نیز اگرچه به لحاظ ژئوپلیتیک برای روسیه بسیار حائز اهمیت هستند، اما مناسبات مسکو با مینسک، ایروان و باکو طی سه دهه گذشته به درجه‌ای از ثبات رسیده است که روسیه را نسبت به خواست آن‌ها برای پیوستن به ناتو و اتحادیه اروپایی نگران نسازد.

3- ایران و تعدیل مواضع روسیه

بخش عمده‌ای از مناسبات ایران و روسیه طی سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی همراه با تنش و اغلب به ضرر اولی بوده است. در حقیقت، سیاست توسعه طلبانه روس‌ها در زمان تزارها به‌مثابه یکی از اصلی‌ترین منابع تهدید امنیت ملی ایران فهم می‌شد. به همین دلیل نیز از هم‌پاشیدگی اتحاد جماهیر شوروی با استقبال تهران مواجه شد و فرصت ارزشمندی پیش روی ایران برای برقراری روابط مسالمت‌آمیز و همکاری جویانه با موجودیت‌های تازه تأسیس در مرزهای شمالی به ویژه فدراسیون روسیه قرار داد. به این ترتیب، مسکو از اواخر سده بیستم دیگر تهدیدی بالقوه علیه تهران قلمداد نمی‌شد. تلاش پوتین از ابتدای سده بیست و یکم جهت بازیابی قدرت روسیه نیز نه تنها تهران را نگران نساخت، بلکه به آن همچون فرصتی برای مهار بلندپروازی‌های نظام سلطه در اوراسیای مرکزی و غرب آسیا و موازنه

سازی علیه جهان غرب می‌نگریست. رویدادها و صف‌بندی‌های متعاقب در نظام بین‌الملل نیز ضمن تأیید این پیش‌بینی‌ها، ایران و روسیه که هر دو به باشگاه قدرت‌های نوظهور تعلق دارند را به تدریج به هم نزدیک‌تر ساخت. دلیل اصلی نزدیکی ایران و روسیه را باید در اهداف و تهدیدهای مشترکی که از سوی مقام‌های این دو کشور فهم می‌شود، جستجو کرد (عزیزی و حمیدفر، 1398: 381-382). این اهداف مشترک در حقیقت از تهدیدهای مشترک غرب علیه تهران و مسکو سرچشمه می‌گیرند که گسترش ناتو به شرق را می‌توان نماد بارز آن به شمار آورد. با اینکه تلاش نظام سلطه برای توسعه قلمرو خود تا مرزهای شرقی فدراسیون روسیه و مرزهای شمالی جمهوری اسلامی ایران در پوشش ناتو و اتحادیه اروپایی وجه بارز تهدیدهای مشترک غرب در برابر مسکو و تهران را تشکیل می‌دهد، اما هراس افکنی‌های دولت‌های آمریکای شمالی و اروپای غربی علیه مسکو و ایران تنها به گسترش این دو نهاد محدود نمی‌شود. استقرار سامانه ضد موشکی در لهستان و جمهوری چک (به بهانه مقابله با تهدید موشکی ایران و کره شمالی)، اعمال تحریم‌های اقتصادی و مالی با هدف توقف توسعه داخلی و بروز ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی، حمله‌های سایبری، نفوذ به کشورهای همسایه و حوزه‌های نفوذ روسیه و ایران با انعقاد موافقت‌نامه‌های همکاری راهبردی و اعطای بسته‌های کمک مالی و اقتصادی و تلاش حداکثری برای منزوی‌ساختن تهران و مسکو و خارج‌ساختن هم‌پیمانان آن‌ها از مدار دوستی و نزدیکی با ایران و روسیه از دیگر حربه‌ها و ترفندهای غرب برای مقابله با این دو کشور محسوب می‌شوند. در این شرایط، بدیهی است که اشتراک در تهدیدها به اشتراک در اهداف و در نهایت به اتحاد میان مسکو و تهران به‌منظور هم‌افزایی و تجمیع قابلیت‌های انفرادی روسیه و ایران و اثربخشی بیشتر پاسخ تهدیدها منجر خواهد شد. ضرورت همکاری و تشریک مساعی تهران و مسکو برای خنثی‌سازی تهدیدهای مشترک و تلاش رهبران ایران و روسیه برای تضمین امنیت و بقای کشورشان به اندازه‌ای حائز اهمیت است که هیچ‌شکی در وجود وحدت نظر و رویه میان تهران و مسکو برای مقابله با هجمه سهمگین غرب علیه دولت‌های جبهه تغییر باقی نمی‌گذارد (Katz, 2016: 6). به همین جهت، وجود اتحادی طبیعی میان ایران و روسیه در چارچوب تشکیل یک ائتلاف، محرز شناخته می‌شود (غنی و عسگریان، 1400: 246). این اتحاد طبیعی که به شکل ائتلاف ظهور یافته است به احتمال زیاد طی سال‌های آینده به اتحادی رسمی تبدیل خواهد شد، کما اینکه در حال حاضر نیز ایران و روسیه برای امضای سند راهبردی ۲۰ ساله آماده می‌شوند (<https://www.irna.ir/news/84588794>).

با اینکه دیدگاه‌های ایران و روسیه در قبال تحولات منطقه‌ای چه در غرب آسیا و چه در اوراسیای مرکزی ضرورتاً برهم منطبق نیست، اما تا جایی که به مقاومت در برابر نظام سلطه بازمی‌گردد، موضع به شدت یکپارچه‌ای را در برابر یک‌جانبه‌گرایی و زیاده‌خواهی غرب به نمایش گذاشته‌اند. در واقع وجود برخی تفاوت‌های طبیعی در دیدگاه‌ها و رویکردهای مسکو و تهران در سپهر جهانی و منطقه‌ای، مانع از همکاری روسیه و ایران در بازسازی معماری امنیت جهانی به نفع جبهه تغییر و قدرت‌های نوظهور نشده است. اگرچه دولت‌های متعددی خواهان استقرار وضع مطلوب بوده و ائتلاف‌های رسمی و غیررسمی دو یا چندجانبه زیادی برای تحقق این هدف با حضور روسیه تشکیل شده است، اما هیچ‌کدام از آن‌ها به لحاظ نمایش قاطعیت در پیمودن این مسیر به سطح اتحاد طبیعی میان ایران و روسیه نمی‌رسند. از جمله شواهد برجسته این ادعا می‌توان به پاسخ مثبت مسکو برای مشارکت در پشتیبانی نظامی از حکومت اسد در سوریه و در حقیقت محور مقاومت در منطقه به درخواست تهران اشاره کرد که نخستین عملیات نظامی روسیه در غرب آسیا را شکل داد و طی آن رهبران این کشور عملاً از تهران در مناقشه ایران-رژیم صهیونیستی جانبداری کردند. از همه مهم‌تر اینکه همکاری نظامی روسیه با هیچ‌کدام از قدرت‌های نوظهور به جز ایران تا به امروز وارد مرحله عملیاتی نشده و از برگزاری تمرین‌های نظامی فراتر نرفته است. به‌ویژه اینکه دلیل اصلی همکاری نظامی تهران-مسکو در سوریه، جلوگیری از پیشروی نیروهای جبهه تثبیت بود و ماهیتی آشکارا ضد نظام سلطه داشت.

قدرت تأثیرگذاری تهران بر موازنه آفند-پدافند روسیه به نفع پدافند را می‌توان به دلایل پیش‌گفته و مشابه آن‌گره زد. همراهی و همگامی تهران با مسکو نه تنها روسیه را در تعقیب خواسته تغییر حکمرانی جهانی دلگرم و امیدوار می‌سازد، بلکه -در مقایسه با هم‌اورد خود یعنی آمریکا- تا حد ممکن از روی آوردن به اقدام‌های تهاجمی برای دستیابی به این هدف نیز برحذر می‌دارد. گام‌های قاطع روسیه در مسیر تکمیل عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای نیز از مهم‌ترین نشانه‌های درک اهمیت همراهی تهران با مسکو در بسندگی اقدام‌های آفندی برای کسب منافع و تأمین امنیت از سوی مقام‌های روسیه به شمار می‌آید. حضور در اتحادها و ائتلاف‌ها و تشکیل پیمان‌های رسمی و غیررسمی دو یا چندجانبه با دولت‌های هم‌سو از جمله مؤلفه‌های مؤثر بر حالات پدافندی و آفندی دولت‌ها و بنابراین، موازنه آفند-پدافند به شمار می‌آیند (Lopez, 2017: 19-20). در این میان، سازمان همکاری شانگهای که بعضاً به‌مثابه تلاشی نرم و تدریجی برای «معماری جدید امنیت منطقه‌ای و

جهانی» از سوی روسیه و برخی دیگر از دولت‌های هم‌فکر و خواهان تغییر وضع موجود به تصویر کشیده می‌شود، نهادی چندبعدی با کارویژه‌ها و دستور کارهای متنوع به شمار می‌آید که حسب موضوع با چندین ساختار منطقه‌ای دیگر (از جمله سازمان پیمان امنیت جمعی¹ در حوزه دفاعی-امنیتی یا اتحادیه اقتصادی اوراسیا² در حوزه بازرگانی-اقتصادی) هم‌پوشانی دارد. با اینکه فدراسیون روسیه با قدرتهای هسته‌ای چین، هند و پاکستان در شانگهای مشارکت دارد، اما حضور ایران در این سازمان با مزایایی برای مسکو همراه است که از سایر اعضا کمتر انتظار می‌رود. این مزایا در اصل شامل حفظ ثبات منطقه‌ای در اوراسیای مرکزی بدون تشدید معمای امنیت و تکیه بیش از حد بر مزیت‌های آفندی است. شانگهای اگرچه برخلاف ناتو و پیمان ورشو سابق یک معاهده دفاعی چندجانبه به‌شمار نمی‌رود، اما نقش این سازمان طی دو دهه گذشته در منطقه رو به افزایش بوده است.

شانگهای به‌مثابه یکی از گره‌های شبکه ارتباطی متراکم، درهم‌تنیده و در حال گسترش نیروهای حفظ صلح و ثبات منطقه‌ای در اوراسیای مرکزی به شمار می‌رود که اگرچه همه اعضای آن بر سر تحول در حکمرانی جهانی به نفع مشارکت قدرت‌های نوظهور اتفاق نظر دارند، اما تعهد یکسانی در قبال تلاش برای گذار از یک‌جانبه‌گرایی به چندجانبه‌گرایی از خود به نمایش نمی‌گذارند (قافله‌باشی، 1398: 103-104). پرهیز از مشارکت در پرداخت هزینه‌های گریزناپذیر تغییر در شیوه مدیریت جهانی و عبور از نظم بین‌الملل آمریکایی-محور پسا جنگ جهانی دوم بسیاری از بازیگران از جمله برخی اعضای شانگهای را در سطوح و درجات متفاوت به محافظه‌کاری سوق داده است. از آنجا که سازمان همکاری شانگهای تنها نهاد منطقه‌ای به شمار می‌آید که هر دو کشور ایران و روسیه در آن حضور دارند و در حال حاضر نیز مناسبات تهران-مسکو به‌طور رسمی با هیچ پیمان راهبردی دوجانبه‌ای هدایت نمی‌شود از این سازمان می‌توان به‌مثابه فصل مشترک دیدگاه‌ها و همکاری‌های راهبردی ایران-روسیه و نماد مناسبات نزدیک دو کشور به‌ویژه در مقابله با زیاده‌خواهی‌های نظام سلطه در اوراسیای مرکزی و غرب آسیا نام برد. روسیه نقش به‌سزایی در ایجاد اجماع بر سر موافقت با عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای در تابستان 2021 در شرایط تداوم ابهام درباره آینده برجام و روابط ایران با غرب، مواجهه تهران با رژیم تحریم‌های همه‌جانبه آمریکا و مخالفت برخی اعضای تعیین‌کننده شانگهای با الحاق کامل ایران به این سازمان ایفا نمود (Sim and Grajewski, 2021) که دلیل اصلی آن را باید در درک اهمیت

¹. CIS Collective Security Treaty Organisation (CSTO)

². Eurasian Economic Union (EAEU)

اتحاد نیروهای خواهان تغییر وضع موجود از سوی تهران و مسکو جستجو کرد. در حقیقت، منافع مشترک و متداخل تهران و مسکو در سیاست بین‌الملل به‌ویژه به لحاظ ژئوپلیتیک در اوراسیای مرکزی و در سطحی فراتر به لحاظ راهبردی در تلاش برای تغییر حکمرانی جهانی به نفع نظم بین‌المللی چندجانبه تا حد ممکن عادلانه، این دو کشور را در معرض تشکیل اتحادی طبیعی قرار داده است. این اتحاد به گونه‌ای است که بخش قابل توجهی از منافع تهران و روسیه به‌ویژه در مسیر تغییر حکمرانی جهانی و برقراری نظمی عادلانه‌تر را به صورت طبیعی از طریق یکدیگر تأمین می‌کند و بنابراین رهبران دو کشور تا به امروز ضرورتی برای انعقاد پیمان‌های رسمی احساس نکرده‌اند.

اتحاد طبیعی ایران-روسیه برخلاف اتحادهای طبیعی حفظ وضع موجود به دنبال بهبود وضع موجود از طریق تغییر معماری امنیت جهانی و تسهیل مشارکت همه دولت‌ها به‌ویژه قدرت‌های نوظهور در تدوین و تنظیم مقررات حاکم بر اجتماع دولت‌ها به گونه‌ای عادلانه‌تر است (جهانگیری و وفایی‌سعدی، 1397: 169). چشم‌انداز راهبردی مشترک دو کشور ایران و روسیه نیز به‌طور عمده بر از بین بردن منابع بی‌ثباتی و جلوگیری از مداخله‌های نظامی به رهبری ایالات متحده در اوراسیای مرکزی و غرب آسیا متمرکز بوده است. در عین حال، خطوط ژرف تری از همگرایی میان تهران-مسکو را نیز می‌توان مشاهده کرد که همانا به جهان‌بینی به لحاظ ژئوپلیتیک مشابه این دو کشور که بر پایه ویژگی‌های فرهنگی-تمدنی و یک تبارشناسی گفتمانی مشترک در برابر غرب شکل گرفته است، بازمی‌گردد. روسیه، سیستم‌های ایدئولوژیک و قدرت آتلانتیک به رهبری ایالات متحده را به چالش می‌کشد و در این هماوردی، ایران یک شریک حیاتی محسوب می‌شود. هم مسکو و هم تهران با ایده تحمیل ارزش‌های هنجاری و ساختارهای قدرت از سوی یک دولت واحد یا هیئتی از دولت‌ها در مقام ناظم جهانی مخالف هستند. در عوض، مسکو و تهران، دیدگاه کثرت‌گرایانه‌تری از نظم بین‌الملل را ترویج داده و رعایت مصالح و احساسات بین‌المللی را بر مداخله‌گرایی لیبرال ترجیح می‌دهند (<https://www.lse.ac.uk/research/research-for-the-world/politics/russia-and-iran-a-strategic-alliance-or-something-more>). با اینکه روش فکری مبتنی بر لزوم همکاری و همبستگی نزدیک بین ملت‌های جهان به منظور تشکیل یک حکومت جهانی فراگیر به روسیه و ایران منحصر نمی‌شود، اما گام‌های عملی برنامه‌ریزی‌شده برای تحقق این ایده به‌طور عمده از سوی ایران و روسیه دنبال می‌شود. سایر نیروهای جبهه تغییر همچون چین، هند یا برزیل به رغم اینکه دل در گرو این آرمان دارند،

اما برای پذیرش هزینه‌های گام نهادن در این مسیر آمادگی کافی ندارند. همگامی ایران با روسیه در فرایند محدودسازی توسعه‌طلبی نهادهای غربی علاوه بر تقویت عزم و اراده مسکو برای مقابله با رخنه غرب در سرزمین‌های پساکمونستی به‌مثابه تهدیدی مشترک برای هر دو دولت، حس اعتمادبه‌نفس و درک شدن را در میان رهبران روسیه تقویت می‌کند. هیچ‌کدام از دولت‌های خواهان وضع مطلوب به اندازه ایران احساس روسیه نسبت به محاصره شدن از سوی غرب را از عمق وجود درک نمی‌کند. چین که در کنار روسیه رهبری جریان تغییر را بر عهده دارد با تنگناهای ژئوپلیتیک مشابه روسیه مواجه نبوده و فهمی عینی از احساس خفگی مسکو به دنبال تنگ‌ترشدن حلقه محاصره غرب به دور روسیه ندارد. هم‌اوردی ژئوپلیتیک چین با آمریکا و هم‌پیمانانش به بخش‌های بسیار محدودی از مرزها، جزایر و آبراه‌های بسیار وسیع این کشور بازمی‌گردد که اگرچه حیاتی تلقی می‌شوند، اما حتی در صورت تصرف کامل از سوی دشمن نیز برای محاصره چین کافی نیستند و بقای این کشور را به خطر نمی‌اندازد. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران این احساس را نه‌تنها به‌خوبی درک، بلکه در عمل تجربه کرده است.

درعین‌حال، همراهی با روسیه و انگیزه‌بخشی به این کشور برای مقابله با توسعه‌طلبی بی‌حدوحصر نهادهای غربی به سمت شرق، کم‌هزینه‌ترین و مؤثرترین ابزار جلوگیری از رسیدن ناتو به مرزهای شمالی کشور به شمار می‌آید. فهمیده شدن و درک شدن از سوی تهران به شفافیت بیشتر خواسته‌های روسیه از غرب و کاهش ابهام در برنامه‌های نظامی این کشور منجر شده است. روسیه تا مدت‌ها با توسل به سیاست خودمختار سازی بخش‌های روس نشین و نیروهای هوادار روسیه در درون کشورهای خواهان پیوستن به ناتو و نزدیکی به غرب از جمله اتحادیه اروپایی و ایجاد مناقشه‌های منجمد به دنبال جلوگیری از توسعه ناتو و اتحادیه اروپایی به سمت شرق بود. در این رویکرد، تمایز میان رفتارها و اقدام‌های آفندی از پدافندی به‌سختی دشوار است، زیرا همه چیز در سایه ابهام و انکار قرار دارد. حمله‌های سایبری نیز که بارها از سوی روسیه علیه اهداف غربی یا کشورهای پساکمونستی متمایل به غرب اتخاذ شده است (قنبری و خانی، 1399: 148-149) به‌رغم تفاوت شکلی فراوان با سیاست خودمختار سازی، فاقد عنصر تفکیک میان آفند و پدافند بوده و به جهت وجود ابهام در بیان صریح خواسته‌ها از قدرت تأثیرگذاری چندانی برخوردار نیست. در مقابل، بهسازی زرادخانه هسته‌ای روسیه و تجهیز آن به پیشرفته‌ترین سلاح‌های روز دنیا با ایجاد بازدارندگی مستقیم علیه آمریکا (شیخ‌محمدی، 1399: 33) می‌تواند ضامن صلح و ثبات

منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. غرب به رهبری ایالات متحده برخلاف القای برداشت عدم توسعه ناتو به فراتر از مرزهای آلمان شرقی به جهانیان و مقام‌های روسیه در جریان مذاکرات بر سر اتحاد مجدد آلمان در سال 1990 (Shiffrinson, 2016) طی پنج موج ناتو را تا مرزهای شمال غرب روسیه گسترش داده و سیستم‌های موشکی خود را در اکثر کشورهای پساکمونیستی مستقر نموده است. در این شرایط، تفکیک میان رفتارهای آفندی از پدافندی، صراحت در بیان خواسته‌ها و انتظارات قانونی و منطقی به پشتیبانی توان آفندی، تکیه بر پدافند به جای آفند به عنوان یک اصل، استفاده محدود از آفند به حد ضرورت و به عنوان یک استثنا به اقتضای شرایط و با هدف دفع شرارت قریب الوقوع منجر به مناقشه بزرگ احتمالی و مقاومت در برابر توسعه‌طلبی و اصرار بر خواسته‌های به حق و مشروع از جمله اصول اساسی و ضرورت‌های موفقیت در مسیر متوقف‌سازی ماشین مخرب گسترش ناتو به سمت شرق محسوب می‌شوند.

نتیجه

شرایطی که روسیه در فضای پسا جنگ سرد در پرتو گسترش ناتو و اتحادیه اروپایی به شرق تجربه می‌کند را می‌توان ذیل نظریه معضل امنیت متأثر از فضای عدم قطعیت راهبردی در مناسبات روسیه با دولت‌های غربی طبقه‌بندی و تحلیل کرد. مسکو به‌ویژه از ابتدای سده بیست‌ویکم با راهیابی پوتین به کاخ کرملین، حضور اتحادیه اروپایی و پیمان نظامی ناتو در سرزمین‌های پساکمونیستی را ابتدا در شمول تهدیدهای قابل توجه و ادامه در ردیف تهدیدهای حیاتی علیه تمامیت ارضی فدراسیون روسیه و حتی بقای این کشور لحاظ نمود و تمهیداتی برای مقابله با آن در چارچوب نظریه موازنه آفند-پدافند اندیشید که در گستره‌ای از اقدام‌های کنش‌پذیر تا رفتارهای کنش‌گرا جای می‌گیرند. از این چشم‌انداز، روسیه برای تأمین امنیت و بقای خود ناگزیر به مقابله با توسعه‌طلبی‌های غرب و گسترش موجودیت‌های غربی به‌ویژه ناتو به سمت مرزهای غربی این کشور است. این وضعیت تا زمانی که خوی سلطه‌گری و زیاده‌خواهی‌های غرب به رهبری ایالات متحده متوقف نشود فی‌نفسه مناقشه‌هایی به همراه خواهد داشت که مسئولیت آن در وهله نخست بر عهده دولت‌های غربی به‌مثابه متجاوزین به حریم این کشور است. از این‌رو، ریشه بسیاری از تنش‌های موجود در اوراسیای مرکزی را با باید در سیاست‌های توسعه‌طلبانه واشنگتن و بروکسل در سرزمین‌های پساکمونیستی جستجو کرد. به همین منوال، می‌توان اوکراین را قربانی سیاست

آمریکا دانست، بدون اینکه از خطای روسیه در توسل به روز برای متوقف کردن ماشین نظامی ناتو چشم پوشید.

در هر صورت در چنین فضایی که بروز مناقشه غیرقابل اجتناب به نظر می‌رسد، تفکیک میان رویکردهای آفندی و پدافندی، گام مهمی در کاهش بی‌ثباتی و افزایش نرخ صلح در مناطق موضوع مناقشه به شمار می‌آید. بدیهی است که صلح پایدار در اوراسیای مرکزی در شرایطی که غرب از قصد ویرانگر خود برای گستراندن چتر ناتو و دیگر موجودیت‌های غربی بر کشورهای پساکمونستیست دست‌بردار نیست تا حد زیادی دور از دسترس است، اما در عین حال امکان جلوگیری از تبدیل مناقشه‌های محلی و منطقه‌ای در اوراسیای مرکزی به جنگ‌های سراسری که قطع به یقین با فجایع غیرقابل وصفی همراه خواهد بود، وجود دارد. ضمن اینکه درجه صلح و ثبات در اوراسیای مرکزی رابطه مستقیمی با میزان تمایز میان رویکردهای آفندی و پدافندی بازیگران دارد که به معنای پرهیز از ابهام راهبردی است. علاوه بر صراحت در بیان خواسته‌ها و شیوه‌های به لحاظ منطقی و حقوقی پذیرفته‌شده دسترسی به آن‌ها، پافشاری بر این خواسته‌ها تا کسب نتیجه و آمادگی برای پذیرش پیامدهای تعقیب آن‌ها نیز در موازنه سازی آفند-پدافند حائز اهمیت به شمار می‌آید. از این دیدگاه، باورپذیری تهدیدهای روسیه مبنی بر مقابله با گسترش ناتو به شرق از سوی دولت‌های غربی در نهایت می‌تواند به نفع پدافند و پرهیز از جنگ تمام شود. این گزاره نسبی است، زیرا شدت جنگ نسبی است و گستره‌ای از جنگ‌های محلی و محدود تا جنگ‌های جهانی با احتمال استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را در برمی‌گیرد. به همین اعتبار به جنگ می‌توان تحت برخی شرایط به چشم ابزاری بازدارنده نگریست که با نشان دادن عزم جدی یک بازیگر در حراست از منافع و مواضع حیاتی خود و پذیرش هزینه‌های آن، دشمن را از طرح خواسته‌های بیشتر منصرف می‌سازد. در واقع اگرچه جنگ و مناقشه در هر سطحی مذموم و ناپسند ارزیابی می‌شود، اما چه بسا مناقشه‌هایی بوده‌اند که بروز آن‌ها مانع از رخدادهای به مراتب ناگوارتر شده است. این استدلال به نفی «بی‌عملی» روسیه در قبال گسترش ناتو حکم می‌دهد، زیرا تنها گزینه جایگزین به جز انقیاد در برابر غرب، تنش‌های دامنه‌دار و مناقشه‌های همیشگی در منطقه خواهند بود که هر لحظه امکان تبدیل به خشونت‌های سراسری با عواقب فاجعه‌بار را دارند. کادر رهبری روسیه به خوبی از این واقعیت آگاه بوده که بخشی از این آگاهی را مرهون همسایه جنوبی خود یعنی جمهوری اسلامی ایران است. مسکو تحقیر ابرقدرت‌ها از سوی ایران را نه تنها به چشم دیده، بلکه در جریان پیام حضرت امام خمینی (ره) به گورباچف

تجربه نیز کرده است. مقام‌های روسیه تنها نظاره‌گر دفع چندین باره پرنده‌ها و شناورهای متجاوز آمریکایی و انگلیسی به سرزمین ایران یا موشک باران پایگاه‌ها و مخفیگاه‌های دشمنان نظام جمهوری اسلامی در خاک کشورهای منطقه از سوی نیروهای نظامی ایران همراه با پذیرش صریح مسئولیت آن نبوده‌اند، بلکه درس‌ها از آن گرفته‌اند.

به همین جهت راز احترام عمیق پوتین به رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدارهای با معظم له را باید به حساب قدردانی وی از جمهوری اسلامی ایران در نشان دادن راه مقاومت در برابر زیاده‌خواهی‌های غرب به‌جای سازش و تسلیم و نیز پرده برداشتن از ماهیت پوشالی تهدیدهای آمریکا گذاشت. رهبران روسیه در واقع این توصیه مشترک و پرکاربرد حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری را سرلوحه خود قرار داده‌اند که اگر یک گام در برابر خواسته‌های دشمن عقب‌نشینی و سازش شود، آن‌ها صد گام جلو می‌آیند. پذیرش پیامدهای روحیه انقیاد ناپذیری و عدم سازش در برابر دشمن و درعین حال آمادگی برای کاستن از عواقب ناگوار آن از دیگر تجربه‌هایی به شمار می‌آید که روسیه از ایران به عاریت گرفته است و توسل به شیوه‌های ایران در دور زدن تحریم‌ها از جمله نمونه‌های بارز آن محسوب می‌شود. با این توصیف، پاسخ‌های اولیه مقاله در هر دو بخش چرایی و چگونگی را می‌توان تا حد زیادی صادق دانست و اظهار داشت که اصلی‌ترین شیوه تأثیرگذاری تهران بر تحول در موازنه آفند-پدافند روسیه به نفع پدافند به آموزه‌های روسیه از تجربه موفقیت‌آمیز ایران در به‌کارگیری مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی به‌ویژه مقاومت در برابر سلطه‌گری، تأکید بر بازدارندگی، مشارکت راهبردی با دولت‌های هم‌فکر، انعطاف‌پذیری تاکتیکی و دفاع فعال اما غیر تحریک‌آمیز در برابر زیاده‌خواهی‌های غرب بازمی‌گردد.

منابع و مآخذ

فارسی

- ایرنا، 1400، «ایران و روسیه برای امضای سند راهبردی ۲۰ ساله آماده می‌شوند»، 3 دی، خبرگزاری جمهوری اسلامی، کد خبر: 84588794، قابل دسترس در: <https://www.irna.ir/news/84588794>
- جهانگیری، محمدرضا و وفایی‌سعدی، خسرو، 1397، «ظرفیت‌های بریکس و محدودیت‌های روسیه برای تغییر نظم بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س 24، ش 103، صص 161-198.

- زارعی، بهادر؛ کولایی، الهه؛ پیشگاهی‌فرد، زهرا و اسدی‌کیا، بهناز، 1398، «تبیین تفکر ژئوپلیتیکی در سیاست خارجی روسیه»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، س 51، ش 4، صص 1093-1110.
- شیخ محمدی، علیرضا و هاشمی، سکینه، 1399، «بازی راهبردی روسیه-اتحادیه اروپا در مناقشه ممتد آبخازیا»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س 26، ش 110، صص 100-139.
- شیخ‌محمدی، علیرضا 1398، «چهره تازه بازدارندگی هسته‌ای روسیه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س 25، ش 108، صص 33-63.
- صالحی، عطاله 1398، «تحلیل مناقشه دنباس از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س 25، ش 108، صص 101-141.
- عزیزی، حمیدرضا و حمیدفر، حمیدرضا 1398، «انگیزه‌های همکاری امنیتی ایران و روسیه در آسیای مرکزی»، مطالعات اوراسیای مرکزی، س 12، ش 2، صص 381-398.
- غریب‌زندی، داود 1391، «دفاع غیرتحریک‌آمیز: راهبرد جمهوری اسلامی ایران برای کاهش معمای امنیتی غرب آسیا»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س 15، ش 57، صص 71-92.
- غنی، پرهام و عسگریان، عباسقلی 1400، «مانع‌های شکل‌گیری ائتلاف راهبردی جمهوری اسلامی ایران و روسیه: مطالعه موردی ائتلاف ایران و روسیه در بحران سوریه»، مطالعات اوراسیای مرکزی، س 14، ش 1، صص 229-249.
- قافله‌باشی، سید مجید 1398، «رقابت و واگرایی در سازمان همکاری شانگهای؛ با تأکید بر اختلافات چین-روسیه و هند-پاکستان»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س 25، ش 10، صص 101-132.
- قنبری، سمیه و خانی، حسین 1399، «بازدارندگی سایبری روسیه از منظر اروپا»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س 26، ش 111، صص 117-156.
- کوهکن، علیرضا و کریمی، لیلیا 1398، «راهبرد جدید اتحادیه اروپا در آسیای مرکزی و گذار از قدرت هنجاری به بازیگر عمل‌گرا»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س 25، ش 127، صص 127-158.
- هاشمی، سید حمید 1386، «نظریه تعادل، تهاجم-دفاع: بررسی موردی سیاست‌های محمدرضا شاه و پیامدهای آن»، نشریه ره‌آورد سیاسی، س 15، ش 2، صص 15-20.

لاتین

- Ahmed, A., 2014, *India's Doctrine Puzzle: Limiting War in South Asia*, New Delhi: Routledge.
- Allison, Graham., 2019, "How the US Managed, and Mismanaged, Russia: A Superstar Diplomat Tells His Story", *Russia Matters*, 12 March, Available at: russiamatters.org/analysis/how-us-managed-and-mismanaged-russia-superstar-diplomat-tells-his-story, Accessed on: 7 Desember 2021.
- Ankersen, C., Braun, W. G., de Kerckhove, F., Evans, C. V., Fisher, K. M., Ganguly, S., Geis, A., McGuire, S. K., Nossal, K. R., Rowswell, B. and von Hlatky, S., 2020, *A*

Changing International Order? Implications for the Security Environment, Carlisle: US Army War College Press.

Baker, J., 2019, "The Empathic Foundations of Security Dilemma De-escalation", *Political Psychology*, Vol. 40, No. 6, pp. 1251-1266.

Bressler, R. D., Trager, R. F. and Dafoe, A., 2021, "The Offense-Defense Balance and The Costs of Anarchy: When Welfare Improves Under Offensive Advantage", *APSA Preprints*, Vol. 29, No. 1, pp. 1-69.

BRF, 2022, "Foreign Minister Sergey Lavrov's remarks and answers to media questions at a news conference on Russia's foreign policy performance in 2021, Moscow, January 14, 2022", *Botschaft der Russischen Föderation*, 17 January, Available at: russische-botschaft.ru/de/2022/01/17/foreign-minister-sergey-lavrovs-remarks-and-answers-to-media-questions-at-a-news-conference-on-russias-foreign-policy-performance-in-2021-moscow-january-14-2022, Accessed on: 29 January 2022.

Buchholz, K., 2022, "How NATO Expanded Eastwards", *Forbes*, 22 January, Available at: <https://www.forbes.com/sites/katharinabuchholz/2022/01/19/how-nato-expanded-eastwards-infographic/?sh=a7d0af1218d9>, Accessed on: 5 December 2021.

Burns, W. J., 2019, *Back Channel: A Memoir of American Diplomacy and the Case for its Renewal*, New York: Random House.

DW, 6 October 2021, "NATO Expels 8 from Russian Mission as 'Intelligence Officers'", *Deutsche Welle*, Available at: <https://www.dw.com/en/nato-expels-8-from-russian-mission-as-intelligence-officers/a-59428676>, Accessed on: 5 December 2021.

EC, 2022, "Enlargement and European Neighborhood Policy", *European Commission*, 8 January, Available at: ec.europa.eu/growth/single-market/public-procurement/international-public-procurement/enlargement-and-european-neighborhood-policy_en, Accessed on: 18 January 2022.

Herz, J., 1950, "Idealist Internationalism and the Security Dilemma", *World Politics*, Vol. 2, No. 2, pp. 157-180.

Izzo, J., 2022, "NATO and Russia: A Defensive Expansion?", *E-International Relations*, 30 January, Available at: <https://www.e-ir.info/pdf/95405>, Accessed on: 31 January 2022.

Jakobsen, J. and Halvorsen, T., 2018, "The Durability of the Security Dilemma: An Empirical Investigation of Action-Reaction Dynamics in States' Military Spending (1988-2014)", *The Chinese Journal of International Politics*, Vol. 11, No. 2, pp. 153-192.

Jervis, R., 1978, "Cooperation under the Security Dilemma", *World Politics*, Vol. 30, No. 2, pp. 167-214.

Katz, M. N., 2016, "Russian-Iranian Relations: Recent Trends and Developments", *Russian Analytical Digest*, Vol. 192, 10 November, pp. 5-7.

Kieninger, S., 2020, "The 1999 Kosovo War and the Crisis in U.S.-Russia Relations", *The International History Review*, Vol. 43, No. 4, pp. 781-795.

Lanoszka, A. and Hunzeker, M. A., 2019, *Conventional Deterrence and Landpower in Northeastern Europe*, Carlisle Barracks: Strategic Studies Institute and U.S. Army War College Press.

Lopez, A. C., 2017, "The Evolutionary Psychology of War: Offense and Defense in the Adapted Mind", *Evolutionary Psychology*, Vol. 15, No. 4, pp. 1-23.

McBride, J. and Park, J., 2022, "After the Berlin Wall: Europe's Struggle to Overcome Its Divisions", *Council on Foreign Relations*, 6 January, Available at:

- <https://www.cfr.org/article/after-berlin-wall-europes-struggle-overcome-its-divisions>, Accessed on: 7 January 2022.
- Minogue, N., 2019, "The North Atlantic Treaty at 70--Article 10", **Emory International Law Review**, Vol. 34, pp. 165-181, Available at: <https://scholarlycommons.law.emory.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1229&context=eilr>, Accessed on: 3 December 2021.
- NATO, 2017, "Individual Partnership Action Plans", **North Atlantic Treaty Organization**, 9 June, Available at: www.nato.int/cps/en/natohq/topics_49290.htm, Accessed on: 18 November 2021.
- NATO, 2020, "Signatures of Partnership for Peace Framework Document", **North Atlantic Treaty Organization**, 9 June, Available at: www.nato.int/cps/en/natolive/topics_82584.htm, Accessed on: 18 November 2021.
- NATO, 2021, "Euro-Atlantic Partnership", **North Atlantic Treaty Organization**, 22 June, Available at: www.nato.int/cps/en/natohq/topics_67979.htm, Accessed on: 18 November 2021.
- NATO, 2022, "Relations with Russia", **North Atlantic Treaty Organization**, 13 January, Available at: https://www.nato.int/cps/en/natohq/topics_50090.htm, Accessed on: 18 January 2022.
- Shiffrin, J. R. I., 2016, "Op-Ed: Russia's Got a Point: The U.S. Broke a NATO Promise", **Los Angeles Times**, 30 May, Available at: www.latimes.com/opinion/op-ed/la-oe-shiffrin-russia-us-nato-deal--20160530-snap-story.html, Accessed on: 23 November 2021.
- Sim, L. and Grajewski, N., 2021, "What Does Russia Get Out of Iran's Membership in the Shanghai Cooperation Organization?", **The Atlantic Council**, 29 October, Available at: www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/what-does-russia-get-out-of-irans-membership-in-the-shanghai-cooperation-organization, Accessed on: 2 November 2021.
- Tazmini, Ghoncheh., 2022, "Russia and Iran - a Strategic Alliance or Something More?", **London School of Economics and Political Science**, 18 January, Available at: <https://www.lse.ac.uk/research/research-for-the-world/politics/russia-and-iran-a-strategic-alliance-or-something-more>, Accessed on: 29 January 2022.
- USDS, 2022, "Online Press Briefing with Ambassador John J. Sullivan, U.S. Ambassador to the Russian Federation", **U.S. Department of State**, 26 January, Available at: <https://www.state.gov/online-press-briefing-with-ambassador-john-j-sullivan-u.s.-ambassador-to-the-russian-federation>, Accessed on: 29 January 2022.
- Vershbow, A., 2019, "Present at the Transformation: An Insider's Reflection on NATO Enlargement, NATO-Russia Relations, and Where We Go from Here by Alexander Vershbow", In D. S. Hamilton and K. Spohr, *Open Door: NATO and Euro-Atlantic Security After the Cold War* (pp. 425-447), London: Foreign Policy Institute.
- Wiseman, G., 2002, **Concepts of Non-Provocative Defence; Ideas and Practices in International Security**, London: Palgrave Macmillan.

